

Book Review Journal of Arabic Language and Literature, The Iranian Council for Reviewing Books
and Text on Human Sciences
Biannual Journal, Vol. 1, No. 1, Spring and Summer 2020, 145-163

Training Grammar (Applied Grammar of Arabic Language)
by Abdul Rasool Kashfi

Fereshteh Farzi Shoub*

Abstract

Due to the fusion of some academic majors with Arabic language, many books have been written on the teaching of Arabic rules; one of these books, which has been well received by the audience and it has been reprinted several times, is Abdul Rasool Kashfi's book *Training Grammar* which was written to facilitate the learning of Arabic for the academic disciplines and it has been considered to those who are interested in learning this science, in order to optimize the educational books, this research evaluates the book in terms of structure and content and achieves the following results: The author has had some innovations in teaching how to write morphological analysis, simplifying topics related to ablutions, using various textual examples from the Qur'an and *Nahj al-Balaghah* to simple everyday sentences and using practical exercises in clear language. However, he, sometimes, has not been careful in explaining the topics, therefore, the book is not free from some contextual errors. The level of the book is appropriate for all beginner students in *Training Grammar*.

Keywords: Arabic language, Training Grammar, Criticism, Abdul Rasool Kashfi

* Assistant Professor, Golestan University, f.farzi19@gmail.com

Date received: 2020-05-27, Date of acceptance: 2020-08-23

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقدی بر کتاب آموزش صرف (دستور کاربردی زبان عربی) اثر عبدالرسول کشفی

فرشته فرضی شوب*

چکیده

باتوجه به آمیختگی برخی از رشته‌های دانشگاهی با زبان عربی، کتاب‌های بسیاری درباره آموزش قواعد عربی نگاشته شده است؛ یکی از این کتاب‌ها، که مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته و چندین بار نیز تجدیدچاپ شده است کتاب آموزش صرف از عبدالرسول کشفی است که درجهت تسهیل فراگیری صرف عربی برای رشته‌های دانشگاهی تألیف شده و مورد توجه علاقه‌مندان به فراگیری این علم قرار گرفته است. این پژوهش برای بهینه‌سازی کتاب‌های آموزشی به ارزیابی کتاب از لحاظ ساختار و محتوا پرداخته و به نتایجی دست یافته که از قرار ذیل است: نویسنده نوآوری‌هایی درخصوص آموزش نگارش تحلیل صرفی، ساده‌سازی مباحث مربوط به اعلال، به‌کارگیری نمونه‌های مختلف متنی از قرآن و نهج البلاغه تا جملات ساده روزمره و استفاده از تمرین‌های کاربردی داشته و از زبانی بسیار شیوا و ساده برای ارائه مطالب بهره برده است. درعین حال، گاه در تبیین مباحث، دقت لازم را نداشته است. به همین سبب، کتاب از برخی اشتباهات محتوایی نیز خالی نیست. سطح کتاب متناسب با همه دانشجویان مبتدی در علم صرف است.

کلیدواژه‌ها: زبان عربی، آموزش صرف، نقد، عبدالرسول کشفی.

۱. مقدمه

امروزه، درخصوص آموزش علم صرف کتاب‌های بسیاری به رشته تألیف درآمده است، به‌گونه‌ای که گاه تعدد این تألیفات مخاطب را در انتخاب کتاب مناسب دچار مشکل می‌کند؛ هرچند روی آوردن استادان به نوشتن کتب آموزشی بیان‌گر اهتمام ایشان به مسئله آموزش

* استادیار گروه عربی، دانشگاه گلستان، f.farzi19@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

زبان است، ولی سطح علمی اکثر این کتاب‌ها از تکرار عینی مطالب، جملات، و حتی تمارین کتاب‌هایی که سابقاً در این خصوص نوشته شده‌اند فراتر نمی‌رود. از این رو، تعداد کتاب‌هایی که با رویکرد نوآورانه در زمینه آموزش صرف نوشته شده، به نسبت حجم تألیفات در این زمینه، اندک است.

کتاب حاضر، آموزش صرف (دستور کاربردی زبان عربی)، تألیف عبدالرسول کشفی، در زمره کتاب‌هایی است که نویسنده در آن در جهت ایجاد راه‌کارهای جدید آموزشی کوشیده و برای رسیدن به هدف خویش، یعنی تسهیل روند فراگیری قواعد زبان عربی که خود بدان اذعان داشته، تا حدود زیادی موفق عمل کرده است. این کتاب را، که به هدف آموزش علم صرف برای تمام علاقه‌مندان به فراگیری این علم به رشته تألیف درآمده، انتشارات طه دوازده بار در قم بازنشر کرده و آخرین بار در سال ۱۳۹۶ در دوهزار جلد به چاپ رسانده است. استقبال بی‌نظیر مخاطبان از این کتاب بیان‌گر موفقیت آن در آموزش کاربردی صرف در مقایسه با سایر کتاب‌های مشابه است. هرچند این کتاب از محاسن و مزایای بسیار خوبی برخوردار است، کاستی‌هایی نیز در آن به چشم می‌خورد که این نوشتار برای ارتقای سطح کتاب بدان می‌پردازد.

هدف این نوشتار بررسی شکل و محتوای این کتاب است. در نتیجه مهم‌ترین پرسش و مسئله‌ای که در این زمینه مطرح می‌شود این است که کیفیت اثر حاضر از لحاظ شکل و محتوا چیست؟ و چرا با وجود کتاب‌های متعدد در حوزه صرف و نحو هنوز بیش‌تر دانشجویان از این درس فراری‌اند و رغبتی به آن ندارند؟

فرضیه‌هایی که برای این دو پرسش می‌توان نوشت این است که بیش‌تر کتاب‌های صرفی و نحوی، از جمله این کتاب، از لحاظ شکل و محتوا در جهت پاسخ به پرسش اصلی بیش‌تر دانشجویان زبان و ادبیات عربی نیست؛ این پرسش که هدف از این همه قواعد بی‌کاربرد و تکراری چیست؟ از این رو، به نظر می‌رسد وجود قواعد کلیشه‌ای و بی‌کاربرد یا گاه کم‌کاربرد در کتاب‌های صرفی و نحوی و فقر این کتاب‌ها در مثال‌های کاربردی از متون و ارتباط آن قواعد با ایجاد تفاوت‌های ظریف معنایی از جمله عوامل مؤثر در بی‌رغبتی دانشجویان به درس صرف و نحو باشد.

۱.۱ روش نوشتار

روش این مقاله توصیفی - تحلیلی است؛ بدین صورت که پس از معرفی اثر به بیان نقاط قوت و کاستی‌های آن در دو حوزه شکل و محتوا براساس نقد صوری و غیرصوری

می‌پردازد و در آخر پیش‌نهادهایی برای بهتر شدن کیفیت کتاب ارائه می‌دهد. مطالب این نوشتار پس از مطالعه دقیق و کلمه‌به‌کلمه کتاب به دست آمده است و نه از قصد و غرض، بلکه با دل‌سوزی و خلوص نیت سعی در کمک به برطرف شدن اشکالات آن در چاپ‌های بعدی دارد؛ چراکه با بررسی دقیق کتاب‌های تخصصی هر رشته می‌توان الگویی مناسب برای تدوین کتاب یافت تا ضمن برطرف کردن نواقص و اشکالات کتاب‌های پیشین کاربردی‌تر و مفیدتر باشد.

۲.۱ پیشینه تحقیق

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که تاکنون هیچ نقدی بر این کتاب صورت نگرفته است، اما مطالعه کتاب‌هایی با موضوع نقد و مقالاتی که نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی و پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی در حیطه نقد کتاب‌های صرف و نحو به چاپ رسانده است الگوهایی برای نگارش مقاله حاضر بوده‌اند. مقالات این دو نشریه به ترتیب عبارت‌اند از «جایگاه زبان‌شناسی در بین کتاب‌های دانشگاهی رشته زبان و ادبیات عربی (مطالعه موردی کتاب فقه اللغة العربیة و علم اللغة الحدیث) از حاجی قاسمی و کاظمی؛ «بررسی کتاب مناہج النقد الأدبی العربی المعاصر (عملی - تطبیقی)» از علی بشیری؛ «بررسی و نقد کتاب قواعد کاربردی زبان عربی» از حسین کیانی؛ «نقد کتاب صرف ساده» از معصومه نعمتی قزوینی و سیده‌اکرم رخشنده‌نیا؛ «تحلیل انتقادی کتاب الأدب المصری من قیام الدولة الأیوبیة إلى مجيء الحملة الفرنسية» از صادق عسکری؛ و «نقد و تحلیل کتاب فصول فی الترجمة و التعریب از تجربه تا ترجمه» از رضا ناظمیان.

اما درباره قواعد صرف و نحو کتاب‌های زیادی به نگارش درآمده است که به برخی از آن‌ها برای نمونه اشاره می‌شود:

کتاب صرف ساده که به همت محمدرضا طباطبایی و در انتشارات دارالعلم به چاپ رسیده است. این کتاب از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول با عنوان صرف مقدماتی به زبان فارسی و بخش دوم با عنوان صرف ساده به دو زبان فارسی و عربی به نگارش درآمده است. بخش فعل آن به زبان فارسی و بخش اسم به زبان عربی است. شیوه کتاب بدان صورت است که پس از شرح قاعده به ذکر نمونه و شواهدی پرداخته شده است. پس از پایان هر درس نیز تمرین‌هایی برای تفهیم بیشتر مطالب آمده است. بیشتر مباحث نیز از قرآن و احادیث است. ایراد بسیار مهمی که به این کتاب وارد می‌شود این است که به مبحث مهم تحلیل صرفی اشاره‌ای نشده است.

کتاب قواعد کاربردی زبان عربی نوشته زهرا ریاحی زمین و سیدفضل الله میرقادری که به همت دانشگاه شیراز منتشر شده است. نویسندگان، پس از شرح قواعد در پایان هر درس، نمونه‌ها و تمرین‌هایی نیز ارائه داده‌اند. قواعد به صورت مختصر بیان شده و تلاش شده است فقط به قواعد کاربردی پرداخته شود و از پرداختن به قواعد ریز و کلیشه‌ای که جایی در متون ندارند اجتناب شده است.

۲. معرفی اثر

نام کتاب	نویسنده	نوبت چاپ	سال چاپ	ناشر	محل نشر	قیمت
آموزش صرف	عبدالرسول کشفی	دوازدهم	۱۳۹۶	کتاب طه	قم	هجده هزار تومان

کتاب آموزش صرف (دستور کاربردی زبان عربی) به قلم عبدالرسول کشفی، استاد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران، نگاشته شده است. یکی از وجوه قابل توجه کتاب آن است که نویسنده محترم فارغ‌التحصیل رشته زبان و ادبیات عرب نیست و شاید به همین دلیل این کتاب را به قصد تسهیل فراگیری صرف برای همه علاقه‌مندان (نه فقط برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب) به رشته تحریر درآورده است.

این کتاب مربوط به علم صرف است و مباحث مربوط به تحلیل صرفی فعل و اسم را در بر می‌گیرد. کتاب در ۴۱ درس در قطع وزیری و در انتشارات طه در قم به چاپ رسیده است. فهرست مطالب کتاب که حاوی عناوین اصلی و فرعی است در آغاز کتاب در دو صفحه آمده است.

کتاب ۳۲۸ صفحه دارد و با حذف صفحات ابتدایی (مقدمه و پیش‌گفتار و فهرست و ... و منابع پایان کتاب) ۳۱۳ است. در دو صفحه آخر، تعداد ۲۹ مصدر و مأخذ ذکر شده که نویسنده محترم از آن‌ها استفاده کرده است.

این اثر در سه بخش و ۴۱ درس نگاشته شده است؛ بخش اول کلیات است که در مورد حروف عربی، املائی همزه، و تقسیم کلمه به حرف، فعل، و اسم نگاشته شده است. بخش دوم درباره فعل است که در ۲۲ درس تقسیم‌بندی شده است و بخش سوم در مورد اسم و در هجده درس نوشته شده است.

بخش اول کلیات است که در مورد حروف عربی، املائی همزه، و تقسیم کلمه به حرف، فعل، و اسم نگاشته شده است.

بخش دوم در خصوص فعل است که در ۲۳ درس تقسیم‌بندی شده و هر درس شامل دو بخش آموزش قواعد و حل تمرین است و مباحث زیر را شامل می‌شود: درس اول: اسم، فعل، و حرف؛ درس دوم: صرف فعل - ضمیر و انواع آن؛ درس سوم: فعل ماضی؛ درس چهارم: ماضی نقلی و بعید؛ درس پنجم: فعل مضارع؛ درس ششم: حالت‌ها و مشتقات فعل مضارع؛ درس هفتم: فعل امر؛ درس هشتم: لازم و متعدی - معلوم و مجهول؛ درس نهم: افعال ثلاثی و رباعی؛ درس دهم تا سیزدهم: در باب‌های ثلاثی مزید، بدین صورت که در هر درس به دو باب از باب‌های مزید پرداخته است؛ درس چهاردهم: باب‌های رباعی. درس پانزدهم: انواع فعل از نظر نوع حروف (فعل مهموز)؛ درس شانزدهم: فعل مضاعف؛ درس هفدهم: فعل معتل؛ درس هجدهم: فعل مثال درس نوزدهم: فعل اجوف؛ درس بیستم: فعل ناقص؛ درس بیست‌ویکم: فعل لفیف؛ درس بیست‌ودوم: فعل‌های مضاعف و معتل مزید؛ درس بیست‌وسوم: نون تأکید.

بخش سوم در مورد اسم است و در هجده درس نوشته شده است. درس اول بخش اسم درس بیست‌وچهارم کتاب است. این درس شامل مقدمه است. درس بیست‌وپنجم تا درس سی‌ام با نام معرب و مبنی (۱-۶) نام‌گذاری شده است که به ترتیب در خصوص ضمائر، اسم اشاره، اسم موصول، اسم شرط و استفهام، اسم فعل و کنایه و ظرف، منصرف و غیرمنصرف است. عنوان درس سی‌ام معرفه و نکره و سی‌ویکم متصرف و غیرمتصرف است. درس سی‌وسوم تا سی‌وپنجم جامد و مشتق (۱-۳) نام‌گذاری شده است که به ترتیب شماره ۱ در مورد اسم فاعل، مفعول، و صفت مشبیه است. شماره ۲ در مورد اسم تفضیل و صیغه مبالغه و شماره ۳ در مورد اسم زمان و مکان، اسم آلت، و مصادر مشتق است. درس‌های بعدی از درس سی‌وششم تا چهل‌ویکم به ترتیب در خصوص مفرد و مثنی و جمع؛ مذکر و مؤنث؛ مقصور، ممدود، و منقوص؛ تصغیر و نسبت؛ عدد اصلی؛ و در نهایت عدد ترتیبی است.

۳. ارزیابی شکلی اثر

۱.۳ نقاط قوت شکلی کتاب

جلد: جلد کتاب دو عنوان اصلی و فرعی دارد. عنوان اصلی «آموزش صرف» با فونت درشت و عنوان فرعی «دستور کاربردی زبان عربی» با فونت ریزتر در بالای عنوان اصلی نوشته است. در گوشه سمت راست پشت جلد کتاب نیز توضیحاتی راجع به محتوای کتاب

آمده است، بدین صورت که هدف مؤلف از نگارش کتاب را تسهیل فراگیری قواعد عربی، آموزش صرف به صورت کاربردی، و آشنایی با متون قرآنی و روایی ذکر می‌کند. در پایان توضیحات به این نکته اشاره شده است که جلد دوم این کتاب به آموزش نحو اختصاص دارد. عنوان و توضیحات به خوبی مخاطب را در فهم محتوای کتاب یاری می‌دهد.

قطع: کتاب در قطع وزیری چاپ شده که مناسب برای کتاب‌های آموزشی و درسی است. تعداد صفحات کتاب (۳۱۳)، با توجه به این که مباحث صرف فعل و اسم به صورت کامل در آن شرح داده شده و از نمونه‌ها، جدول‌ها، و تمرین‌های متنوعی برای آموزش قواعد استفاده شده است، مناسب به نظر می‌رسد.

صفحه‌آرایی: در مورد صفحه‌آرایی کتاب باید گفت رعایت فاصله مناسب بین خطوط و ایجاد فاصله مناسب از بالا و پایین صفحه از نقاط قوت آن به حساب می‌آید. همچنین، نظم در قرار گرفتن عنوان درس‌ها در قسمت میانی بالای صفحه و شماره صفحات در گوشه سمت چپ و انتخاب فونت مناسب برای بخش فارسی و عربی، انتخاب شماره فونت مناسب برای تیترا و عنوان‌های اصلی، نگارش عنوان کتاب با خط درشت و bold در روی جلد و عنوان‌های اصلی از دیگر امتیازات صفحه‌آرایی این کتاب شمرده می‌شود.

کیفیت چاپ و صحافی: جلد کتاب از استحکام خوبی برخوردار است. کیفیت کاغذ و چاپ بسیار خوب است؛ در صفحات لکه یا نقاط سفیدرنگ دیده نمی‌شود و رنگ تمام صفحات کاملاً روشن و یک‌نواخت است. چاپ کج یا موج‌دار نیست و علامت‌های اعرابی به آسانی خوانده می‌شود.

ویرایش و نگارش: متن کتاب کاملاً روان و به دور از ابهام و پیچیدگی است. علائم نگارشی و سجاوندی به صورت دقیق و درست انجام شده و پاراگراف‌بندی‌ها، فاصله بین سطرها، شماره‌گذاری عناوین، فاصله بین عنوان‌های اصلی و فرعی به درستی رعایت شده است. تمامی مثال‌ها و تمرین‌های کتاب اعراب‌گذاری شده و تایپ و اعراب‌گذاری با دقت بسیار زیاد انجام شده است. با وجود این، چند نمونه خطا در املا، همزه و اعراب به چشم می‌خورد که بدان پرداخته خواهد شد.

ارجاع‌دهی و کتاب‌نامه: در خصوص ارجاع به منابع در درون متن باید گفت در کتاب‌های آموزش صرف و نحو، ارجاع‌دادن به منابع در متن کتاب معمول نیست. از این رو، در بخش قواعد این کتاب نیز ارجاع‌دهی به منابع مورد استفاده صورت نگرفته و فهرست منابع در پایان ذکر شده است. ولی در بخش تمرین‌ها، منابع مورد استفاده با ذکر نام نویسنده و شماره جلد و صفحه در زیرنویس آمده است.

۲.۳ نقاط ضعف شکلی کتاب

طرح جلد: رنگ زمینه جلد کتاب سفید است. در قسمت میانی جلد کتاب، خطوط آبی کم‌رنگی به شکل عمودی از بالا به پایین کشیده است. ظاهراً طرح جلد به صورت تصادفی انتخاب شده است، زیرا از نظر بصری، معنای خاصی به مخاطب القا نمی‌کند و ارتباطی میان طرح و محتوای کتاب دیده نمی‌شود.

فهرست مطالب: در بخش فهرست مطالب، عنوان هر درس به دو صورت اصلی و فرعی آمده است؛ برای مثال: درس چهار. مشتقات ماضی (ماضی نقلی و ماضی بعید). ولی شماره صفحه فقط برای عنوان اصلی، یعنی مشتقات ماضی، ذکر شده است و شماره صفحه عنوان‌های فرعی نامشخص است.

صفحه آرایی: در صفحه اول فهرست مطالب، عنوان‌ها به صورت چپ‌چین آمده است، به گونه‌ای که در سمت راست فضای خالی باقی مانده و این مسئله شکل ظاهری کتاب را نامتناسب ساخته است.

ویرایش و نگارش: در تمرین صفحه ۵۹ کتاب، املائی همزه در فعل یقرأ به اشتباه به صورت همزه مکسور و بدین شکل تایپ شده است: «لِیَقْرَأُ الْقُرْآنُ بِصَوْتٍ حَسَنٍ». نگارش الف مقصوره و یاء در متن کتاب برای مثال در صفح ۱۸۹ بدین صورت است که روی یاء یک الف کوچک به نشانه قرائت حرف به شکل «الف» و در زیر یاء نیز یک الف کوچک به نشانه «یاء» قرار داده شده است. این درحالی است که در خط عربی املائی الف مقصوره با قراردادن فتحه قبل از یاء و به صورت «أَهْدِيْ مُهْدِيْ» و املائی یاء نیز با قراردادن دو نقطه در زیر یاء و علامت کسره (یهدی) نشان داده می‌شود. در صفحه ۲۲۶ کتاب آمده است: «قُرَأْتُ فِي الْكِتَابِ: أَنْ چَه رَا دَر كِتَاب بُوْد، خَوَانْدَم». در جمله عربی، «ما»ی موصوله جا افتاده است.

۴. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

جامعیت و تناسب محتوا، با توجه به اهداف درسی: عنوان کتاب آموزش صرف است و محتوای آن نیز تماماً در حیطه آموزش صرف فعل و اسم است، ولی در خصوص قسم سوم کلمه، یعنی حرف، مطلبی در کتاب نیامده است. از آنجایی که انواع حروف و عامل یا غیرعامل بودن آن در علم صرف بیان می‌شود، توجه نویسنده محترم به این قسم از کلمه لازم می‌نمود ولی در کتاب ذکر نشده است.

استفاده از ابزارهای علمی مانند تمرین، نمودار/ جدول/ تصویر، و ...: مؤلف در جهت برآوردن هدف خویش از تألیف کتاب (یعنی آموزش آسان علم صرف) که مهم‌ترین ویژگی این کتاب به شمار می‌رود از اشکال متعدد کادرها، جدول‌ها، و نمودارها استفاده کرده است؛ برای مثال، انواع ضمیر به صورت نمودار نشان داده شده است (ص ۲۳). در درس معتلات، انواع اعلال (چه در فعل چه در اسم) به صورت کامل در جدول آموزش داده شده است، بدین شکل که حالت اسم یا فعل قبل از اعلال، سپس تغییرات اعلال و پس از آن صورت نهایی کلمه آمده است (ص ۱۱۲-۱۲۳، ۱۲۷-۱۳۸، و ...). علاوه بر آن، تمامی مشتقات فعل مضارع (ص ۴۸)، باب‌های ثلاثی مزید (ص ۷۲)، انواع فعل‌های صحیح (ص ۹۲-۱۰۲)، انواع ضمیر متصل و منفصل (ص ۲۱۷)، مصدرهای سماعی و قیاسی (ص ۲۵۵) در جدول‌های متعدد نشان داده شده است.

در پایان هر درس نیز انواع متعدد تمرین به شکل‌های مختلف جدولی و غیر آن آمده است و در تمامی تمرین‌های جدولی یا تمرینات مربوط به صرف اجزای جمله یک نمونه الگوی حل شده برای مخاطب وجود دارد که راهنمای خوبی برای حل تمرین به شمار می‌رود.

مسئله‌مندی کتاب و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و کاربردی کشور: هدف از نوشتن این کتاب آسان‌سازی آموزش صرف برای علاقه‌مندان (فارغ از رشته تحصیلی آنان) بوده است. نویسنده، در جهت برآوردن این مهم، آموزش مطالب را با ذکر ریزترین جزئیات هم‌راه ساخته است تا کسانی که هیچ‌گونه اطلاعی از علم صرف ندارند بتوانند از کتاب استفاده کنند؛ باتوجه به این که کتاب‌هایی با این دیدگاه در علم صرف کم‌تر نوشته شده است؛ این کتاب کتابی کاربردی و مفید به شمار می‌رود، زیرا از یک سو این قابلیت را دارد که مخاطب (باتوجه به شرح و تفصیل خوب نویسنده در آموزش قواعد) به صورت خودخوان از مطالب کتاب بهره‌بردار و از سوی دیگر برای تدریس در رشته‌های مختلف تحصیلی چون زبان و ادبیات عرب، ادبیات فارسی، و الهیات و معارف اسلامی مناسب است.

نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف کتاب: مطالب کتاب در مجموع از نظم خوبی برخوردار است و نشان می‌دهد که نویسنده محترم تلاش کرده است مطالب را براساس یک چهارچوب قانون‌مند ارائه دهد. عناوین اصلی و فرعی دارای نظم و انسجام‌اند و براساس ترتیب خاصی به‌چینش درآمده‌اند؛ مثلاً در درس مذکر و مؤنث، تعریف مذکر و مؤنث، علامت‌های تأنیث، انواع مذکر و مؤنث و توضیحات هرکدام به صورت جداگانه ذکر شده است. این چینش و نظم در تمامی دروس رعایت شده است، ولی هم‌چنان به تغییر در برخی عنوان‌های اصلی و فرعی وجود نیاز دارد، چنان‌که در برخی درس‌ها، نوعی عدم

تطابق بین عنوان‌های اصلی و فرعی و بین عنوان‌ها و محتوا دیده می‌شود، مثلاً درس‌های اسم اشاره، موصول، ضمائر، و ... به شکل یک عنوان فرعی برای عنوان دیگری (معرب و مبنی ۱-۶) آمده است. بدین صورت:

معرب و مبنی ۱: ضمائر؛

معرب و مبنی ۲: اسم اشاره؛

معرب و مبنی ۳: اسم موصول؛

معرب و مبنی ۴: اسم شرط، اسم استفهام؛

معرب و مبنی ۵: اسم فعل، کنایه، ظرف؛

معرب و مبنی ۶: منصرف و غیرمنصرف.

پنج درس از شش درس فوق مختص اسم‌های مبنی است و استفاده از نام معرب در عنوان این پنج درس تناسبی با محتوای آن ندارد.

از سوی دیگر با توجه به این که فقط اسم‌های معرب می‌توانند منصرف یا غیرمنصرف باشند، ذکر واژه «مبنی» نیز برای این درس زائد است. بهتر است عنوان «معرب و مبنی» به یک درس اختصاص یابد و سایر درس‌ها با عنوان‌های دیگر ذکر شوند.

این مسئله در درس جامد و مشتق نیز دیده می‌شود. درس‌های ۳۳ تا ۳۵ به نام جامد و مشتق ۱ تا ۳ نام‌گذاری شده، در حالی که هر سه درس به بخشی از انواع مشتق می‌پردازد و نام جامد در عنوان درس زائد است. پیش نهاد می‌شود یک درس به اسم جامد و دو یا سه درس برحسب نیاز به درس‌های مشتق اختصاص یابند.

نکته دیگر آن است که گاه تسلسل منطقی در ترتیب درس‌ها رعایت نشده است. در آموزش علم صرف باید به این نکته توجه شود که برخی از نکات صرفی در یادگیری نکات پس از خود تأثیرگذارند. از این رو، در ترتیب درس‌ها نیز برای تسهیل یادگیری بهتر است این موضوع رعایت شود؛ برای مثال، اسم‌های غیرمتصرف همیشه بر یک حالت ثابت‌اند و حالت‌های «مثنی، جمع، نسبت، و تصغیر» را نمی‌پذیرند (شرتونی ۱۳۸۹: ۵۲). بنابراین، باید قبل از درس‌های مثنی، جمع، نسبت، و تصغیر بیان شود تا خواننده بدانند قواعدی که برای تثنیه و جمع و ... گفته می‌شود شامل اسم‌های غیرمتصرف نمی‌شود. در بخش فعل نیز، درس فعل مجهول قبل از فعل معتل ذکر شده است، در حالی که فعل‌های معتل باید قبل از فعل مجهول آموزش داده شوند تا دانشجو بتواند اعلال‌هایی که در فعل معتل مجهول رخ می‌دهند بفهمد یا در ساخت فعل مجهول از معتل آن را به کار بگیرد.

میزان دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی: اصطلاحات تخصصی صرف در بیش تر صفحات کتاب به چشم می خورد که در متن توضیح داده شده است؛ برای مثال، معنای فعل جحد (ص ۴۶)، مضارع ملموس (ص ۴۷)، جمع الجمع، اسم الجمع، و متتهی الجموع (ص ۲۸۱) در متن کتاب آمده است.

نوآوری و داده های روزآمد: مؤلف محترم در ارائه مطالب نوآوری هایی داشته است، اما به طور کلی داده های این کتاب تفاوتی با سایر کتاب های صرف ندارد و اساساً امکان نوآوری در داده ها در این نوع کتاب ها وجود ندارد. تنها می توان در شیوه ارائه مطالب دست به ابداع زد که نویسنده محترم از این مهم غافل نبوده است. شیوه های نوآورانه نویسنده در ارائه مباحث از قرار زیر است:

نویسنده مرحله به مرحله به آموزش شیوه نگارش تحلیل صرفی برای فعل و اسم پرداخته است که معمولاً در کتاب های صرفی بدان توجه نمی شود.

از کادرها، جدول ها، و نمودارهای متعددی برای ارائه مباحث استفاده کرده است. تمامی واژگان و جملات عربی در کل کتاب (شرح قواعد و تمرین ها) را اعراب گذاری کرده است.

بیش ترین نوآوری نویسنده را می توان در طرح تمرین ها مشاهده کرد، بدین صورت که تمامی تمرین ها ترجمه شده است. ترجمه تمرین به خواننده کمک می کند تا تغییر معنای افعال را در صیغه ها و باب های مختلف و در صورت های معلوم و مجهول ببیند و ترجمه جملات و واژگان را در صورت تمایل بیاموزد. علاوه بر آن، تمام تمرین های کتاب در یک جمله یا عبارت معنادار آمده است. دیگر این که نویسنده از تمرینات تک کلمه ای و خارج از متن استفاده نکرده است. این مسئله موجب می شود مخاطب در صورت حل کردن تمرین به توانایی ساخت و نوشتن جملات کوتاه دست یابد و قدرت صرف فعل، ضمیر، و اسم (اسم های متصرف) را در ساختارهای مختلف پیدا کند.

استفاده از منابع معتبر: در خصوص میزان اعتبار منابع مورد استفاده نویسنده باید گفت نویسنده محترم از منابعی استفاده کرده اند که برخی از آن ها از کتاب های دست اول و اصلی علم صرف به شمار نمی روند. با این حال، منابع معتبری هستند. از سویی، از ۲۹ منبع مورد استفاده که در فهرست بدان اشاره شده است یازده منبع در خصوص علم صرف و بقیه کتاب هایی اند که نمونه های متنی تمرین ها براساس آن انتخاب شده است. بر این اساس، منابعی که مربوط به قواعد زبان عربی یا منحصر در علم صرف باشد کم تر مورد استفاده نویسنده محترم قرار گرفته است.

میزان سازواری محتوای علمی با فرهنگ اسلامی: نویسنده محترم در بخش تمارین به شکل چشم‌گیری از آیات ارزش‌مند قرآن کریم و احادیث نهج‌البلاغه و سایر کتاب‌های دینی و اخلاقی استفاده کرده و ترجمه آن را نیز در اختیار فراگیران قرار داده است.

۵. کاستی‌های محتوایی کتاب

نگارش قواعد صرف و عربی، با توجه به فراوانی جزئیات آن، نیازمند دقت بسیار زیاد است. نویسنده محترم در قسمت اعظم ارائه مباحث به‌خوبی عمل کرده، ولی در برخی قسمت‌ها دچار اشتباهاتی شده است که بدان می‌پردازیم:

نگارش همزه: در خصوص املائی همزه وسط، در صفحه ۱۴ کتاب مطلبی آمده است که قابل نقد است: «اگر همزه وسط متحرک باشد، پایه همزه متناسب با حرکت آن است؛ یعنی اگر مفتوح باشد، پایه آن «الف» و اگر مکسور باشد، پایه آن «یاء» و اگر مضموم باشد، پایه آن «واو» است. مانند: سَأَلَ، سَيَّم، و لَوَّم». این قانون درست نیست، چراکه حرکت همزه در هر سه کلمه «مؤثّر، قراءة، و مشيئة» فتحه ولی کرسی آن‌ها متفاوت است و به ترتیب بر کرسی واو، بدون کرسی، و بر کرسی یاء نوشته شده و هر یک از این مثال‌ها، خود، ناقض مطلب فوق است. قانون کتابت همزه در مثال‌های «سَأَلَ، سَيَّم، و لَوَّم» آن است که اگر حرکت همزه در وسط کلمه فتحه و قبل از آن نیز فتحه یا سکون باشد، بر کرسی «الف» نوشته می‌شود، مانند سَأَلَ و دیگر این‌که اگر همزه مکسور و قبل از آن ساکن یا متحرک باشد، بر کرسی یاء نوشته می‌شود، مانند سَيَّم و اگر همزه مفتوح و ماقبل آن مضموم یا همزه مضموم و ماقبل آن ساکن یا مفتوح باشد، بر کرسی واو نوشته می‌شود. مانند لَوَّم (ابوبکر ۱۴۱۱: ۲۱-۱۷).

در تمرین ۳ صفحه ۲۱۸ املائی همزه به صورت نادرست بر کرسی «یاء» نوشته شده است: «دعوا أصدقائهم و أنتن دعوتن أصدقائكن» که املائی صحیح آن «أصدقاءكم و أصدقاءكن» است (همان: ۱۷).

ضمیر منفصل مرفوع: در بخش اقسام ضمائر، صفحه ۲۳ در معرفی نوع دوم از ضمائر چنین آمده است: «منفصل فاعلی: ضمیری است که به‌تنهایی به‌کار رود و جانشین فاعل باشد؛ مانند ذهب علی (علی رفت) ذهب هو (او رفت)». نویسنده محترم ضمیر منفصل مرفوع را با نام ضمیر رفع فاعلی معرفی کردند که درست نیست، چراکه ضمیر در صورتی که در ابتدای جمله بیاید، نقش مبتدا دارد و در صورتی که به صورت منفصل بلافاصله پس از

فعل و متناسب با ضمیر فاعلی بیاید، نقش تأکید برای فاعل مستتر را دارد و هرگز نقش فاعلی نمی‌گیرد و جانشین فاعل نیز نمی‌شود تا بدین نام شناخته شود، چنان‌که در مثال فوق «ذهب هو»، هو ضمیر منفصل مرفوعی و تأکید لفظی برای فاعل مستتر (هو) است (شرتونی ۱۳۸۹: ۳۴۶).

در نمودار پایین همین صفحه نیز ضمیر منفصل مرفوعی با نام ضمیر منفصل فاعلی معرفی شده است. ولی در صفحه ۲۱۶ در تعریف انواع ضمائر منفصل نوع اول به درستی ضمیر منفصل رفعی نامیده شده است. ولی این اشتباه که «این ضمیر بعد از فعل و به جای فاعل به کار می‌رود» دوباره تکرار شده است.

ضمیر متصل منصوبی مجروری: مؤلف محترم در صفحه ۲۵۳ در تحلیل ضمیر «نا» چنین گفته‌اند:

اسم، مبنی، ضمیر متصل نصبی، متکلم مع‌الغیر ...	إِنَّ + نا
---	------------

ضمیر «نا» در تحلیل صرفی ضمیر متصل نصبی نامیده شده است، حال آن‌که ضمیر متصل، چه با اعراب نصب و چه با اعراب جر، ضمیر متصل منصوبی – مجروری نام دارد و حذف بخشی از نام ضمیر، برحسب نقشی که می‌پذیرد، درست نیست (شرتونی ۱۳۸۹: ۱۳۱).
فعل تام و ناقص: در صفحه ۲۰۵ کتاب، تعریف فعل تام و ناقص به صورت دقیق بیان نشده است:

بیش‌تر فعل‌ها بر انجام گرفتن کاری یا پذیرفتن حالتی دلالت دارند که این فعل‌ها را تام می‌نامند، فعل‌هایی نیز هستند که معنای کاملی ندارند و برای بیان معانی‌ای از قبیل اثبات یا نفی نسبت به کار می‌روند و معنای آن‌ها با آوردن صفت یا کلمه دیگری کامل می‌شود؛ مانند: کان و لیس.

به کارگیری لفظ «بیش‌تر فعل‌ها» بدین معناست که تعریف ارائه شده تعریف جامع و کاملی نیست. ضمن این‌که به خصیصه اصلی فعل تام، که وقوع رخداد در زمان معین و اکتفای آن به فاعل یا نائب فاعل است، اشاره‌ای نشده است. تفاوت اصلی بین دو فعل تام و ناقص در آن است که فعل ناقص فقط بر زمان دلالت می‌کند و دلالت آن بر مفهوم رخداد یا حدث به واسطه خبر رخ می‌دهد و از این رو ناقص نامیده می‌شود که برای ایفای یک معنای کامل نیازمند وجود خبر است. تعریف فوق، از آن جهت که به این موارد پرداخته، تعریفی ناقص است.

اعراب اسم مثنی: در صفحه ۲۲۲ کتاب در خصوص اعراب اسم مثنی چنین آمده است: «اسم اشاره در حالت مثنی دو وجه دارد: یک وجه آن (با «الف») برای حالت فاعلی (رفع) و وجه دیگر (یاء) برای حالت مفعولی (نصب) است». در کتاب هیچ اشاره‌ای به اعراب جر برای اسم مثنی و مشترک بودن حرف «یاء» برای دلالت بر اعراب نصب و جر نشده است (الخطیب ۲۰۰۳: ۶۸۴). هم‌چنین، در مثال‌ها نیز به دو مورد مثال برای حالت رفعی و نصبی اکتفا شده و برای حالت جر مثالی ذکر نشده است.

اسم غیرمنصرف: در صفحه ۲۴۳ کتاب در مورد صفت‌های غیرمنصرف آمده است: «صفت‌های بر وزن أفعال فعلان فُعَل و ... غیرمنصرف‌اند مانند اکبر، عطشان، آخر». نویسنده محترم در مورد صفت‌های بر وزن أفعال و فعلان یک شرط را از قلم انداخته است و آن شرط این است که این دو وزن در صورتی غیرمنصرف‌اند که مؤنث آن «ة» تأیث نگیرد و بر وزن أفعلة یا فعلائة نیاید. مثلاً لفظ «أرمل» که مؤنث آن «أرملة» است، به سبب نداشتن این شرط، منصرف است (ابن عقیل بی تا: ج ۲، ۳۲۳؛ شرتونی ۱۳۸۹: ۱۲۴).

در همین صفحه در خصوص اسم‌های علم غیرمنصرف آمده است: «علم‌های غیرعربی؛ مانند: ابراهیم، جورج». در خصوص علم‌های غیرعربی این نکته که باید اسم علم غیرعربی بیش تر از سه حرف داشته باشد مغفول مانده است؛ چنان‌که «هود و نوح» اسم‌های علم غیرعربی ولی منصرف‌اند (ابن عقیل بی تا: ج ۲، ۳۳۱).

تحلیل صرفی: آموزش شیوه و ترتیب تحلیل اسم و فعل یکی از نکاتی است که در کم‌تر کتاب صرفی بدان اشاره شده و تلاش مؤلف برای آموزش شیوه و ترتیب نگارش تحلیل صرفی مسئله‌ای قابل تقدیر است که البته خالی از اشکال نیست. برای مثال، نویسنده محترم در صفحه ۲۰۷ کتاب تحلیل صرفی را بدین صورت آموزش داده است:

اجوف واوی	معتل	متصرف	معرب	معلوم	متعدی	تام	باب افعال	ثلاثی مزید	حروف اصلی ق و م	مفرد مذکر غائب	فعل مضارع منفی	لا یقیم
--------------	------	-------	------	-------	-------	-----	--------------	---------------	-----------------------	----------------------	----------------------	------------

اولین نکته در تحلیل فوق آن است که حرف نفی «لا» به صورت جداگانه تحلیل نشده است. از آنجایی که تحلیل صرفی برای هر کلمه باید جداگانه نوشته شود تحلیل حرف لا نیز باید به صورت جداگانه نوشته شود. بدین صورت:

حرف نفی، غیرعامل، مبنی بر فتح	لا
-------------------------------	----

متأسفانه در تمام نمونه‌های تحلیلی، حرف لا به‌عنوان جزئی از فعل نفی یا نهی به‌شمار رفته و تحلیل نشده است.

مسئله دیگر آن است که در تحلیل کلمه، هم‌چنان‌که در ترتیب عنوان درس‌ها اشاره شد، مواردی هستند که در ذکر یا حذف نکات پس از خود تأثیرگذارند. از این‌رو، موارد تأثیرگذار باید در ابتدای جدول نوشته شوند تا ذکر یا حذف سایر موارد براساس آن سنجیده شود. برای مثال، در صورتی که فعل از نوع افعال ناقصه یا افعال جامد باشد مشمول شاخصه‌های «متعدی، لازم، معلوم، مجهول» نمی‌شود. بنابراین، ذکر این نکته در ابتدای جدول صرفی زبان‌آموز را از جست‌وجو برای مواردی که قابلیت تطبیق بر این فعل را ندارد بی‌نیاز می‌سازد که در جدول فوق بدان توجه نشده است.

نکته دیگر این‌که بیش‌تر افعال تام و متصرف‌اند و معمولاً ذکر آن در تحلیل صرفی ضروری نیست (هرچند مانعی نیز برای ذکر آن وجود ندارد) و تنها در صورتی که این مصداق‌ها (تام‌بودن و متصرف‌بودن) در فعل وجود نداشته باشد ذکر آن ضروری می‌شود.

مسئله عدم ترتیب درمورد شیوه آموزش تحلیل اسم نیز صادق است که به یک نمونه از آن اشاره می‌شود: تحلیل لفظ موتی در صفحه ۲۹۴:

موتی	اسم، معرب، معرفة (ذواللام) متصرف، غیرمصدر، مشتق (صفت مشبیه)، ثلاثی مجرد، ریشه: م و ت، باب فَعَلَ - ُ، جمع (مکسر) مذكر حقیقی، مقصور
------	--

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، در ترتیب صفت مشبیه مقدم بر جمع آمده است، در حالی که تا زمانی که نوع کلمه از نظر مفرد و جمع بودن مشخص نشود وزن و معنای کلمه در مفرد به‌دست نمی‌آید تا جمود و اشتقاق و نوع اشتقاق آن مشخص شود. همین‌طور جمع بین «غیرمصدر و مشتق» صحیح نیست، چراکه در تحلیل، مقصود از غیرمصدر اسم جامدی است که عادتاً در زمره اسم‌های ذات می‌گنجد و معنای مصدری ندارد. زمانی که کلمه در زمره مشتقات به‌شمار آید خودبه‌خود از جرگه جامدات و تقسیم‌بندی‌های مربوط به آن (مصدر - غیرمصدر) خارج می‌شود. در صفحه ۲۴۱ کتاب نیز نمونه‌ای از تحلیل صرفی ذکر شده است که در آن نویسنده محترم به تحلیل صرفی ضمیر مستتر فاعلی «أنت» پرداخته‌اند:

أنت مستتر در «لاتخف»	اسم مبنی (ضمیر متصل رفعی مستتر، مفرد مذكر مخاطب)
----------------------	--

نگارش تحلیل صرفی برای ضمیر مستتر معمول نیست، چراکه این ضمیر، همان گونه که از نامش پیداست، هیچ گاه در جمله نوشته و خوانده نمی شود. از این رو، علت نگارش تحلیل صرفی برای ضمیر مستتر مشخص نیست.

جامد و مشتق: در صفحه ۲۶۱، انواع اسم مشتق بدین صورت آمده است: «اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، اسم تفضیل، صیغه مبالغه، اسم زمان، اسم مکان، اسم آلت، مصدر میمی، مصدر نوعی، مصدر عددی، مصدر مزید». هر چند طبق آرای برخی از نحاة، مصدرهای مزید، و ... برگرفته از مصدر مجرد و مشتق اند (الطریفی ۲۰۱۰: ۶۴) و (الغلابینی ۲۰۰۹: ج ۲، ۵)، در کتاب های درسی آموزش صرف اسم مشتق به هشت قسم تقسیم شده است و انواع مصادر جزو مشتقات به شمار نمی آیند، بلکه در تحلیل صرفی در دسته جامدهای مصدری می گنجد (الحملای ۱۹۹۹: ۴۱؛ الحدیثی ۱۹۶۵: ۲۵۹).

اسم فاعل: در صفحه ۲۶۱، در تعریف اسم فاعل آمده است: «اسمی است که بر کسی یا چیزی که فعلی از او سر زده است دلالت می کند». اسم فاعل لزوماً اسمی نیست که کاری از او سر می زند، بلکه گاه می تواند اسمی باشد که کار (حدث) بر آن واقع می شود. مانند «منکسر، منشطر» (الفاخری ۱۹۹۶: ۱۹۵). از این رو، تعریف مذکور دقیق نیست.

مذکر و مؤنث: در صفحه ۲۸۷ کتاب، پس از مبحث انواع مؤنث، آمده است: «راه تشخیص مؤنث مجازی معنوی سماع است. به جز سه مورد که قیاسی اند: الف) اسم مناطق جغرافیایی مانند طهران، مصر، لبنان». قرارداد نام لبنان میان اسماء مؤنث درست نیست. هر چند عموماً نام کشورها مؤنث است، در این میان چند کشور به صورت مذکر کاربرد دارند که لبنان از آن جمله است (صالح بک ۱۳۸۸: ۱۸۱).

ترجمه و معادل یابی: یکی از محاسن این کتاب آن است که ترجمه واژگان و جملات عربی در قواعد هر درس و نیز تمرین ها ذکر شده است. هر چند گاهی در ترجمه و معادل یابی دقت کافی به چشم نمی خورد. برای مثال، در صفحه ۵۵ کتاب در ترجمه فعل مجهول از ماضی آمده است: «نُصِرَ سعید: سعید یاری کرده شد». نمونه این ترجمه در صفحه ۵۶ و نیز جدول صفحه ۵۷ و در ترجمه اسم مفعول صفحات ۶۵ و ۶۶ کتاب نیز آمده است که ترجمه دقیقی نیست و ترجمه با حذف جزء دوم به صورت «یاری شد» کاربردی تر و منطقی تر به نظر می رسد.

در مثال صفحه ۸۶ در خصوص باب های رباعی مزید، معنای فعل «احرنجم»: خم شد، نوشته شده است که خطاست و معنای فعل «جمع شدند» است (انیس و دیگران ۱۳۸۲: ج ۱، ۳۴۳).

در صفحه ۲۲۶ در ترجمه عبارت «إِنَّ أَخَاكَ مِنْ وَاسَاكَ» آمده است: «همانا برادر تو کسی است که با تو هم‌دردی کند». واژه إِنَّ به صورت «همانا» ترجمه شده است که برای دانشجویان این دوره لفظی نامأنوس است و اکثراً معنای آن را نمی‌دانند. در ترجمه آیات نیز نویسندۀ محترم از ترجمه «فولادوند» استفاده کرده‌اند که مشکلاتی از این دست (مثل استفاده از کلمه، همان - پس - و ...) در ترجمه ایشان نیز به چشم می‌خورد. خوب است نویسندۀ محترم با همان لحن فارسی معاصر و با زبان ساده ترجمه آیات را در اختیار دانشجویان قرار دهند تا برای آن‌ها ملموس‌تر و قابل فهم‌تر باشد.

۶. نتیجه‌گیری

کتاب حاضر به منظور آموزش صرف فعل و اسم در زبان عربی برای علاقه‌مندان به این زبان نگاشته شده و همانند هر اثر تألیفی دیگری، علی‌رغم نقاط قوت بسیار فراوان، نقاط ضعف و کاستی‌هایی نیز دارد. اندکی از کاستی‌های کتاب متوجه شکل ظاهری آن است، مانند طرح جلد که مناسبتی با محتوای کتاب ندارد یا برخی اشکالات تایپی که به آسانی قابل رفع است. اما مهم‌ترین بخش ضعف این اثر به برخی نکات محتوایی مربوط می‌شود که گاه به صورت کامل شرح نشده است؛ مانند، اعراب اسم مثنی که در حالت جر بیان نشده است و گاه مربوط به عدم دقت لازم در بیان جزئیات قواعد است. از این رو، شاهد اشکالاتی در معرفی نام ضمائر، تعریف فعل تام، بیان قواعد همزه، یا ترتیب کلمات در تحلیل صرفی، و ... هستیم. ولی همان‌طور که بیان شد، نقاط قوت این کتاب بسیار زیاد و از این رو شایان تقدیر است، چنان‌که نویسندۀ کوشیده است با نگارش شیوای قواعد و ارائه مثال‌های ساده و دور از ابهام کتاب را به گونه‌ای بنگارد که مخاطب بتواند از مطالب آن بهره کامل ببرد و با آزمون خویش با تمرین‌های بسیار متعدد و متنوع، که برگرفته از انواع متون قدیم و جدید است، میزان یادگیری خویش را بیازماید. از جمله نقاط دیگر قوت کتاب می‌توان به خودآموز بودن کتاب و امکان استفاده از آن بدون معلم، ترجمه تمامی تمرین‌ها، استفاده از انواع متون در تمرین (از آیات و احادیث و جملات نهج البلاغه و سایر جملات)، تلاش برای آموزش تحلیل صرفی، و استفاده از جدول‌ها و کادرهای متنوع و متعدد به منظور آموزشی آسان و قانون‌مند اشاره کرد که در مجموع این اثر را بسیار کاربردی و ارزشمند می‌سازد و استقبال مخاطبان از آن نیز نشان از موفقیت نویسندۀ در احقاق اهداف کتاب دارد.

۷. پیش نهادها

برای ارتقای سطح کتاب پیش نهاد می شود:

- مبحث حروف و ویژگی های آن و چگونگی تحلیل آن اضافه شود.
- عنوان بندی و ترتیب درس ها مورد بازنگری قرار گیرد.
- اشکالات اندک تایپی و محتوایی برطرف شود.
- ترجمه و معادل یابی با دقت بیش تری انجام شود.

کتاب نامه

- ابن عقیل، عبدالله بن عبدالرحمن بن محمد (بی تا)، شرح ابن عقیل، ضبط و تعلیق از محی الدین عبدالحمید، تهران: ناصر خسرو.
- ابوبکر، احمد محمد (۱۴۱۱)، القواعد الذهبیه فی الاملاء والترقیم، وزارة الاعلام بأبها.
- انیس، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۲)، المعجم الوسیط، ترجمه محمد بندریگی، قم: اسلامی.
- الحدیثی، خدیجه (۱۹۶۵)، اُبنیة الصرف فی کتاب سیبویه، بغداد: مکتبه نهضة.
- الحملای، شیخ احمد (۱۹۹۹)، سُدا العرف فی فن الصرف، مراجعة: حجر عاصی، بیروت: دار الفکر العربی.
- الخطیب، عبداللطیف محمد (۲۰۰۳)، المستقصی فی علم التصریف، کویت: دار العروبة للنشر و التوزیع.
- الشرتونی، رشید (۱۳۸۹)، مبادئ العربیة فی الصرف و النحو ۴، تهران: اساطیر.
- صالح بک، مجید (۱۳۸۸)، روش نوین در آموزش زبان عربی، قم: اندیشه مولانا.
- الطریفی، یوسف عطا (۲۰۱۰)، الوافی فی قواعد الصرف العربی، عمان: الأهلیة للنشر و التوزیع.
- الغلابینی، مصطفی (۲۰۰۹)، جامع الدروس العربیة، بیروت: المکتبة العصریة.
- الفاخری، صالح سلیم (۱۹۹۶)، تصریف الأفعال و المصادر و المشتقات، القاهرة: عصمی للنشر و التوزیع.
- کشفی، عبدالرسول (۱۳۹۶)، آموزش صرف، قم: طه.

